

ستغیث

تحول آوایی واژه های عربی در فارسی

بهروز صفرزاده

تحوّلِ آواییِ واژه‌های عربی
در فارسی

بهروز صفرزاده

ستار

تهران ۱۳۹۵

- سرشناسه: صفرزاده، بهروز، ۱۳۴۸-
عنوان و نام پدیدآور: تحول آوایی واژه‌های عربی در فارسی/ بهروز صفرزاده؛ ویراسته احمد خندان.
مشخصات نشر: تهران: کتاب بهار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: دوازده، ۱۴۶ ص؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
فروست: زبان فارسی و زبان‌شناسی ایرانی؛ ۳.
کتاب بهار؛ ۵.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۰۹-۴-۵: ۱۰۰۰۰۰ ریال
- وضعیت فهرست‌نویسی: فپا
موضوع: زبان عربی - آواشناسی
موضوع: Arabic language - Phonetics
موضوع: زبان عربی - واج‌شناسی
موضوع: Arabic language - Philology
موضوع: زبان عربی - آوانویسی به فارسی
موضوع: Arabic language - Transliteration into Persian
موضوع: فارسی - آواشناسی
موضوع: Persian language - Phonetics
شناسه افزوده: خندان، احمد، ۱۳۴۷-، ویراستار
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ت ۳ ص ۷/۶۱۲۱ P.J
رده‌بندی دیویی: ۴۹۲/۷۱۵
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۳۰۶۷۷۴

کتاب بهار

بهروز صفرزاده

تحول آوایی واژه‌های عربی در فارسی

ویراسته احمد خندان

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۳۰۰

چاپ و صحافی: پردیس دانش

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ و مخصوص کتاب بهار است

مراکز فروش: کتاب‌فروشی توس (۶۶۴۶۱۰۰۷)، کتاب‌سرای افتخارزاده (۶۶۹۵۵۸۹۵)

نشر چاپار (۸۸۸۹۹۶۸۰)

کتاب بهار (۰۹۱۲۱۲۲۶۰۰۸)

ketabebaharpub94@gmail.com

فهرست

پیش‌گفتار	هفت
جدولِ آوانگاری	یازده
بخشِ اوّل: تحولاتِ آوایی	۱
بخشِ دوّم: فهرستِ الفبایی واژه‌ها (فارسی - عربی)	۱۱۱

پیش گفتار

بخش چشم‌گیری از وام‌واژه‌های زبان فارسیِ امروز را واژه‌های عربی تشکیل می‌دهند که طبق آماری که این جانب گرفته‌ام، تعدادشان بیش از هفت‌هزار است. شماری از این واژه‌ها در جریان ورود به فارسی دچار تحولات آوایی، املائی، و معنایی شده‌اند. پژوهش حاضر فقط تحولات آوایی این واژه‌ها را، چه در فارسی رسمی و چه در فارسی گفتاری، گزارش می‌دهد و به تحولات املائی و معنایی آن‌ها نمی‌پردازد. همان‌طور که می‌دانیم، دستگاه واجی زبان عربی با دستگاه واجی فارسی تفاوت‌های اساسی دارد؛ مثلاً «ذ»، «ز»، «ض»، و «ظ» در عربی واج‌های متمایزی هستند، حال آن‌که در فارسی یک واج‌اند. در این پژوهش، این‌گونه تفاوت‌ها مورد نظر نبوده‌است و فقط تحوّل بارز واکه‌ها، مثلاً تبدیل فتحه به کسره یا برعکس، و نیز حذف، اضافه، یا تبدیل واج‌های دیگر بررسی شده‌است. در آوانگاری نیز تفاوتی میان آواهای عربی و فارسی گذاشته نشده‌است تا مقایسه آسان‌تر باشد (به استثنای aw، مانند ذوق zawq). بنابراین، همزه و «ع» یک واج به حساب آمده‌است.

شیوه کار

ابتدا واژه‌های عربی موجود در فرهنگ‌های شش‌گانه زیر را استخراج و ویژگی‌های آوایی، املائی، و معنایی آن‌ها را ثبت کردم:

□ انوری، حسن. فرهنگِ روزِ سخن. تهران: سخن، ۱۳۸۵؛

□ باطنی، محمدرضا، و دیگران. فرهنگِ معاصرِ انگلیسی-فارسی (ویراستِ دوم). تهران:

فرهنگِ معاصر، ۱۳۷۷؛

هشت تحوّل آوایی واژه‌های عربی در فارسی

- حمیم، سلیمان. فرهنگِ کوچکِ فارسی-انگلیسی. تهران: بروخیم، ۱۳۵۵؛
- دیهیم، گیتی. فرهنگِ آواییِ فارسی. تهران: فرهنگِ معاصر، ۱۳۷۹؛
- صدری‌افشار، غلام‌حسین، و دیگران. فرهنگِ فارسیِ امروز (ویرایشِ سوّم). تهران: مؤسسهٔ نشرِ کلمه، ۱۳۷۷؛
- نجفی، ابوالحسن. فرهنگِ فارسیِ عامیانه. تهران: نیلوفر، ۱۳۷۸.
- سپس واژه‌های استخراج‌شده را در فرهنگ‌های عربی هفده‌گانهٔ زیر جست‌وجو و تفاوت‌های آوایی، املائی، و معنایی آن‌ها را، در مقایسه با صورتِ فارسی‌شده‌شان، یادداشت کردم:
- (۱) ابن‌منظور، ابوالفضل جمال‌الدّین محمد بن مکرم. لسان‌العرب. بیروت: دارصادر، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۹۰.
- (۲) الیاس، الیاس أنطون، و الیاس، إدوار. القاموس العصری (عربی-انگلیزی). القاهرة: المطبعة العصریة، ۱۹۵۸.
- (۳) أنیس، ابراهیم، و دیگران، و أشرف علی الطّبع حسن علی عطیة و محمد شوقی أمین. المعجم الوسیط. بی‌جا. بی‌نا. بی‌تا [تاریخِ مقدّمه: ۱۳۹۲ق/ ۱۹۷۲].
- (۴) بستانی، بطرس. محیط‌المحیط. بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۹۳.
- (۵) بعلبکی، روحی. المورد (عربی-انگلیزی). بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۹۲.
- (۶) بعلبکی، منیر. المورد (انگلیزی-عربی). بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۹۲.
- (۷) زبیدی، محمد مرتضی. تاج‌العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار مکتبه الحیاة، بی‌تا.
- (۸) شرتونی، سعید الخوری. أقرب‌الموارد فی فُصح العربیة و الشّوارد. قم: منشورات مکتبه آیه‌الله‌العظمی‌ المرعشی‌ النّجفی، ۱۴۰۳ق.
- (۹) طیبیان، سیّد حمید (مترجم). فرهنگِ لاروس (عربی-فارسی)، ترجمهٔ کتابِ المعجم العربی‌ الحدیث، تألیفِ خلیل جرّ. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- (۱۰) عدنانی، محمد. معجم الأخطاء الشّائعة. بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۸۹.
- (۱۱) عدنانی، محمد. معجم الأغلاط اللّغویة المعاصرة. بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۸۹.
- (۱۲) فیروزآبادی، مجدالدّین محمد بن یعقوب. القاموس المحیط. بیروت: مؤسسه الرّسالة، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۴.

(۱۳) مسعود، جُبران. الزائد. بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰.

(۱۴) المنجد. بیروت: دارالمشرق. ۱۹۸۸. در پایانِ متن، تکمله‌ای به نام «ملحق» افزوده شده که در آن تعدادی از واژه‌ها و اصطلاحاتی که در متنِ المنجد ثبت نشده آمده‌است.

(۱۵) المنجد الأبعدی. بیروت: دارالمشرق، ۱۹۸۷.

16) Dozy, R. *Supplément aux dictionnaires arabes*. Leyde: E.J. Brill/Paris: G.P. Maisonneuve et Larose, 1967.

17) Wehr, Hans, & Cowan, J. Milton (ed.). *A Dictionary of Modern Written Arabic*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz, 1974 [Reprinted by Librairie du Liban, 1980].

عنوانِ عربی: فیر، هانز، و کوان، ج. میلتون. معجم اللّغة العربیة المعاصرة (عربی-انگلیزی). بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۸۰.

پرسامدترین تحولاتِ آواییِ واژه‌های عربی در فارسی، با ذکرِ بسامدِ هریک، به ترتیب عبارت‌انداز:

(۱) تبدیلِ a- پایانی به -e: ۹۳۳ مورد؛

(۲) حذفِ تشدید: ۴۸۳ مورد؛

(۳) تبدیلِ a- پایانی به -at: ۴۵۵ مورد؛

(۴) تبدیلِ a- به -e: ۴۳۰ مورد؛

(۵) تبدیلِ â- پایانی به -â: ۲۰۶ مورد؛

(۶) تبدیلِ e- به -a: ۱۸۳ مورد؛

(۷) تبدیلِ aw- به -ô: ۱۴۴ مورد؛

(۸) تبدیلِ ay- به -ey: ۱۰۷ مورد؛

(۹) تبدیلِ â'e- به -âye: ۱۰۰ مورد.

در بخشِ اوّل، تحوّلّاتِ واج‌ها براساسِ آوانگارِ لاتینیِ آن‌ها و به ترتیبِ الفبای لاتینی آمده‌است. در بخشِ دوّم نیز فهرستِ الفباییِ واژه‌های بررسی‌شده به‌همراه تلفّظ و اصلِ عربیِ آن‌ها به دست داده شده‌است.

نشانه* (ستاره) پس از واژه‌هایی گذاشته شده که در فرهنگ‌های هفده‌گانه عربی یافته نشده‌اند و ظاهراً بر ساخته فارسی‌زبانان به قیاس عربی‌اند.

از نشانه < برای نشان دادنِ تبدیلِ آواییِ واژه عربی در فارسی استفاده شده‌است.

نشانه [] امکانِ حذف یا تخفیفِ تشدید را نشان می‌دهد.

ضمناً، ممکن است در بعضی واژه‌ها بیش از یک تبدیل روی داده باشد، که در این صورت، هر تبدیل در جای خود آمده‌است.

سپاس‌گزاری

از آقای احمد خندان سپاس‌گزارم که کتابِ حاضر را پیش از انتشار خواندند و پیش‌نهادهای راه‌گشایی به نگارنده دادند. امیدوارم این پژوهش برای علاقه‌مندانِ زبان‌شناسی و آواشناسیِ فارسی مفید واقع شود.

بهر روز صفرزاده

اردیبهشت ۱۳۹۵

جدولِ آوانگاری

hokm	حکم	o	harf	حرف	a
tôlîd	تولید	õ	mosâhaba	مصاحبة	
capiye	چپیه	p	qâder	قادر	â
qarb	غرب	q	mawj	موج	aw
qesmat	قسمت		sayl	سیل	ay
rahmat	رحمت	r	barq	برق	b
mosallas	مثلث	s	cafiye	چفیه	c
savâd	سواد		dars	درس	d
surat	صورت		fekr	فکر	e
šart	شرط	š	'eyd	عید	ey
tadbîr	تدبیر	t	farq	فرق	f
tul	طول		'egâl	اگال	g
xoruj	خروج	u	hesâb	حساب	h
vazn	وزن	v	havâ	هوا	
xarj	خرج	x	'amîq	عمیق	î
yaqîn	یقین	y	râzî	راضی	
zarre	ذره	z	taqviyat	تقویت	iy
zamân	زمان		hâšiye	حاشیه	
zarbe	ضربه		ziyâd	زیاد	
zohr	ظهر		'azîyat	اذیت	îy
joz'	جزء	'	baqîye	بقیه	
'asl	اصل		joz'îyât	جزئیات	
manša'	منشأ		fawqânîy	فوقانی	
ro'yâ	رؤیا		jîlb	جیب	j
so'âl	سؤال		kasb	کسب	k
jor'at	جرئت		lahze	لحظه	l
'amal	عمل		maskan	مسکن	m
so'ud	صعود		jambe	جنبه	
za'îf	ضعیف		nazm	نظم	n

بخش اول

تحوّلاتِ آوایی

● حذفِ -a- (تبدیلِ فتحه به سکون): ۱۶ مورد

jaryân جَرَّیان	<	jarayân جَرَّیان
harkat حَرَکت	<	haraka حَرَکَة
hasb حَسَب	<	hasab حَسَب
heyvân حَیوان	<	hayavân حَیوان
darqî دَرَقِی	<	daraqîy دَرَقِی
zohre زُهره	<	zohara زُهرَة
serqat سِرَقَت	<	saraq/sareqa سَرَقَة/سَرِقَة
sandrus سَنَدروس	<	sandarus سَنَدَرُوس
qasyân عَثیان	<	qasayân عَثیان
qarq غَرَق	<	qaraq غَرَق
fa'le فَعْلَة	<	fa'ala فَعْلَة
mahjar مَحَجَّر	<	mohajjar مَحَجَّر
maxlas مَخْلَص	<	moxallas مَخْلَص
morxas مَرَخَص	<	moraxxas مَرَخَص
mosvadde مَسْوَدَة	<	mosavvada مَسْوَدَة

هَذَّيَّان hazyân	<	هَذَّيَّان hazayân
● حذف a- پایانی : ۲۷ مورد		
أَحْسَنَتْ 'ahsanta	<	احسنت 'ahsant
إِنْ قُلْتَ 'enqolta	<	ان قلت 'enqolt
انْكَشَفَ 'enkašafa	<	انكشف 'enkašaf
تَبَارَكَ tabâraka	<	تبارک tabârak
جَلَبَةً jalaba	<	جلب jalab
دِيْمَةً dîma	<	دیم deym
ذَلِكَ zâleka	<	ذلك (مع ذلك) zâlek
زِيَادَةً ziyâda	<	زیاد ziyâd
شِلَالَةً šelâla	<	شلال šelâl
كَمَا كَانُ kamâkâna	<	کما کان kamâkân
لَا بَدَّ lâbodda	<	لا بد lâbod
لَا جَرَمَ lâjarama	<	لا جرّم lâjeram
لِفَافَةٍ lefâfa	<	لفاف / لفاف lefâf
لَيْتَ وَلَعَلَّ laytavala 'alla	<	لیت و لعلّ leytavola 'al
مَابَقِيYA mâbaqiya	<	ما بقی mâbaqî
مَاتَرَكَ mâtaraka	<	ما ترک mâtarak
مَاحْصَل mâhasala	<	ما حصل mâhasal
مَاحْضَر mâhazara	<	ما حضر mâhazar
مَادَامَ mādâma	<	ما دام mādâm
مَازَادَ mâzâda	<	ما زاد mâzâd
مَاسْبِق mâsabaqa	<	ما سبق mâsabaq
مَافَات mâfâta	<	ما فات mâfât
مَآوَقَع mâvaqa'a	<	ما وقع mâvaqa'
مِصْقَلَة mesqala	<	مَصَقَل masqal

مع (مع ذلک) ma'	<	مع ma'a
مَنْ تَبِعَ mantaba'	<	مَنْ تَبِعَ mantabe'a
هیہات heyhât	<	هیہات hayhâta

● افزودنِ -a- (تبدیلِ سکون به فتحه) : ۱۳ مورد

جَذَبَه jazabe	<	جَذَبَه jazba
جَلَسَه jalase	<	جَلَسَه jalsa
حَشَر hašar	<	حَشَر hašr
رَقَم raqam	<	رَقَم raqm
شَرِیان šarayân	<	شَرِیان šaryân
شَهَوانی šahavânî	<	شَهَوانی šahvânîy
شَهَوِی šahavî	<	شَهَوِی šahvîy
صَدَمَه sadame	<	صَدَمَه sadma
فَصَح fasah	<	فِصَح fesh
فَقَرَه faqare	<	فَقَرَه / فَقْرَه feqra/faqra
فَلَكَه falake	<	فَلَكَه falka
كَائِنَج kâkenaj	<	كَائِنَج kâkenj
لَحَد lahad	<	لَحَد lahd

● تبدیلِ -a- به -â- : ۳ مورد

عَرَّابَه / ارَّابَه 'arrâbe	<	عَرَبَه 'araba
قَانَقَارِیَا qânqâriyâ	<	قَنْقَرِینَا qanqarînâ
وَالَا (تَلْفَظِ گفَتاری) vâllâ	<	وَالله vâllâh

● تبدیلِ -a- پایانی به -at- : ۴۵۵ مورد

آخِرَت âxerat	<	آخِرَة âxera
آیَة < آیت		آفَة < آفت
أَبْوَة < أبوت		آلَة < آلت

ایالت	<	إيالة	ابهت	<	أبهة
بابت	<	بابة	اجابت	<	إجابة
بِدهت	<	بِدهة	اجازت	<	إجازة
بِدايت	<	بِداية	اجرت	<	أجرة
بدعت	<	بدعة	أخوت	<	أخوة
برائت	<	براءة	اذیت	<	أذية
براعت	<	براعة	ارادت	<	إرادة
برکت	<	بركة	اسارت	<	إسارة
برودت	<	برودة	استجابت	<	استجابة
بشارت	<	بشارة	استراحت	<	استراحة
بشاشت	<	بشاشة	استطاعت	<	استطاعة
بصيرت	<	بصيرة	استعانت	<	استعانة
بضاعت	<	بضاعة	استقامت	<	استقامة
بطالت	<	بطالة	استمالت	<	استمالة
بعثت	<	بعثة	اشارت	<	إشارة
بِکارت	<	بِکاره	اصابت	<	إصابة
بلاغت	<	بلاغه	إصالت	<	أصالة
بلاهت	<	بلاهة	اطاعت	<	إطاعة
بُنوت	<	بُنوة	اقامت	<	إقامة
بِهجت	<	بِهجة	الفت	<	ألفة
بيعت	<	بيعة	الوهيت	<	ألوهية
تجارت	<	تجارة	امارت	<	إمارة
تحيّت	<	تحيّة	امامت	<	إمامة
تربت	<	تربة	امانت	<	أمانة
تربيت	<	تربية	امت	<	أمة
تسليت	<	تسلية	اولويت	<	أولوية
تعزيت	<	تعزية	اهانت	<	إهانة

تقوية	<	تقويت	حرارة	<	حرارت
تِلَاوَة	<	تلاوت	حرّية	<	حرّيت
تمشية	<	تمشيت	حراسة	<	حراست
تولية	<	توليت	حركة	<	حرکت
تهممة	<	تهمت	حرمة	<	حرمت
تهنئة	<	تهنيت	حَسَادَة	<	حِسَادَت
ثُرُوة	<	ثروت	حسرة	<	حسرت
جراحة	<	جراحت	حشمة	<	حشمت
جرأة	<	جرئت/ جرأت	حضارة	<	حضارت
جِسَارَة	<	جِسَارَت	حضانة	<	حضانَت
جَلَادَة	<	جَلَادَت	حضرة	<	حضرت
جَلَا فَة	<	جلافت	حفاضة*	<	حفاظت
جلالة	<	جلالت	حقارة	<	حقارت
جُلَّة	<	جُلَّت	حقيقة	<	حقيقت
جَلُوة	<	جَلُوت	حكاية	<	حكايت
جماعة	<	جماعت	حكمة	<	حكمت
جَنَابَة	<	جنابت	حكومة	<	حكومت
جناية	<	جنايت	حلاوة	<	حلاوت
جَنَّة	<	جَنَّت	حماقة	<	حِمَاقَت
جَهَالَة	<	جهالت	حماية	<	حمایت
جهة	<	جهت	حمية	<	حميَّت
حاجة	<	حاجت	حوالة	<	حوالت
حالة	<	حالت	حيرة	<	حيرت
حجامة	<	حجامت	حيلة	<	حيلت
حِجَة	<	حِجَّت	خِباثة	<	خِباثَت
حدّة	<	حدّت	خِجَالَة	<	خِجَالَت
حذاقة	<	حذاقت	خِجَلَة	<	خِجَلَت

خدمت	<	خدمة	<	راحت
خسارت	<	خسارة	<	رافت
خساست	<	خساسة	<	رایت
خست	<	خسة	<	رُبوبیت
خشونت	<	خشونة	<	رجعت
خِصَلت	<	خِصَلَة	<	رُجولیت
خصوصیت	<	خصوصیة	<	رحلت
خصومت	<	خصومة	<	رحمت
خفت	<	خفة	<	رخصت
خلافت	<	خِلافة	<	رخوت
خلعت	<	خِلعة	<	رذالت
خلقت	<	خِلقة	<	رذیلت
خلوت	<	خلوة	<	رسالت
خیانت	<	خیانة	<	رشادت
دِخال	<	دخاله*	<	رضایت
درایت	<	دراية	<	رطوبت
دعوت	<	دعوة	<	رعایت
دقت	<	دقة	<	رعونت
دلالت	<	دلالة	<	رعیت
دنائت	<	دناءة	<	رغبت
دولت	<	دولة	<	رِفاقت
دهشت	<	دهشة	<	رفعت
دیانت	<	دیانة	<	رِقابت
ذرت	<	ذرة	<	رقت
ذکاوت	<	ذکاوة	<	رکاکت
ذلت	<	ذلة	<	رکعت
ذمت	<	ذمة	<	روایت

رؤية	<	رؤيت	سنة	<	سنت
رياسة	<	رياست	سهولة	<	سهولت
رياضة	<	رياضت	سياحة	<	سياحت
زحمة	<	زحمت	سيادة	<	سيادت
زراعة	<	زراعت	سياسة	<	سياست
زعامة	<	زعامت	سيرة	<	سيرت
زيارة	<	زيارت	شامة	<	شئامت
زينة	<	زينت	شباهاة*	<	شباھت
ساحة	<	ساحت	شجاعة	<	شُجاعت
ساعة	<	ساعت	شدّة	<	شدّت
سُبقية	<	سبقت	شرارة	<	شرارت
سخافة	<	سخافت	شرافة	<	شرافت
سحاوة	<	سحاوت	شراكة	<	شِراكت
سراية	<	سرايت	شربة	<	شربت
سرعة	<	سرعت	شركة	<	شركت
سرقة	<	سرقّت	شريعة	<	شريعت
سَطوة	<	سَطوت	شَفاعة	<	شفاعت
سعادة	<	سعادت	شَفقة	<	شفِقت
سعاية	<	سعایت	شقاوة	<	شقاوت
سفارة	<	سفارت	شكاية	<	شكايت
سَفاهة	<	سفاهت	شَماتة	<	شَماتت
سكونة*	<	سكونت	شِناعة	<	شِناعت
سلاسة	<	سلاست	شوكة	<	شوكت
سلامة	<	سلامت	شهادة	<	شهادت
سلطنة	<	سلطنت	شهامة	<	شهامت
سَماجة	<	سِماجت	شهرة	<	شهرت
سِمة	<	سِمت	شهوة	<	شهوت

طباط	<	طباية	شیطنه	<	شیطنت
طبیعت	<	طبیعة	صباحة	<	صباح
طراوت	<	طراوة	صباوة*	<	صباوت
طریقت	<	طریقة	صحبة	<	صحبت
طفولیت	<	طفولیة	صحّة	<	صحّت
طلعت	<	طلعة	صدارة	<	صدارت
طهارت	<	طهارة	صداقة	<	صدافت
طینت	<	طینة	صراحة	<	صراحت
ظرافت	<	ظرافة	صرافة	<	صرافت
ظلمت	<	ظلمة	صعوبة	<	صعوبت
عادت	<	عادة	صفة	<	صفت
عاریت	<	عارية	صلابة	<	صلابت
عافیت	<	عافية	صلاحية	<	صلاحیت
عاقبت	<	عاقبة	صناعة	<	صناعت
عبادت	<	عبادة	صنعة	<	صنعت
عبارت	<	عبارة	صورة	<	صورت
عبرت	<	عبرة	صولة	<	صولت
عبودیت	<	عبودية	صيانة	<	صیانت
عُترت	<	عُترة	صيرورة	<	صیرورت
عدالت	<	عدالة	ضخامة	<	ضخامت
عداوت	<	عداوة	ضربة	<	ضربت
عزلت	<	عزلة	ضرورة	<	ضرورت
عُزوبت	<	عُزوبة	ضلالة	<	ضلالیت
عزّت	<	عُزّة	ضمانة	<	ضیمانیت
عزیمت	<	عزيمة	ضيافة	<	ضیافت
عُسرت	<	عُسرة	طاعة	<	طااعت
عشرت	<	عشرة	طاقة	<	طاقت